

28 رجب؛ سالروز حرکت امام حسین(ع) از مدینه به مکه

<?xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

امام حسین(علیه السلام) با توجه به نامناسب بودن شرایط مدینه برای اظهار مخالفت علنی و قیام و نیز در خطر بودن جان خود در این شهر بدون امکان حرکتی مؤثر، تصمیم به ترک آن گرفت.

از آیه‌ای که امام در هنگام خروج از مدینه قرائت کردند، این نکته - که ترک این شهر به علّت عدم احساس امنیت بوده است - آشکار می‌شود.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)، فلسفه قیام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) را در سخنان آن حضرت در آغاز حرکت از مدینه و موضع گیری‌های ایشان در برابر حوادثی که در منزلگاه‌های میان راه روی داده است، می‌توان یافت.

خروج از مدینه

امام(علیه السلام) عزم خروج از مدینه را کرد ایشان شب هنگام نزد قبر مادر و برادر رفت و نماز خوانده و وداع کرد و صبح به خانه برگشت. در برخی دیگر از منابع آمده است حضرت(علیه السلام) دو شب متوالی را در کنار قبر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بیتوته کردند.

حرکت به سمت مکه

امام(علیه السلام) شبانگاه بیست و هشتم رجب و به نقلی دیگر سوم شعبان سال 60 هجری به همراه 82 نفر از اهل بیت و یارانش از مدینه خارج شد. در این سفر به جز محمد بن حنفیه بیشتر خویشاوندان امام حسین(علیه السلام) از جمله فرزندان، برادران، خواهران و برادرزاده‌های آن حضرت(علیه السلام)، ایشان را در این سفر همراهی می‌کردند. علاوه بر بنی هاشم، 21 نفر از یاران امام حسین(علیه السلام) نیز با ایشان در این سفر همراه شده بودند.

امام حسین(علیه السلام) به همراه همراهانش از مدینه خارج شد و بر خلاف خواسته نزدیکانش راه اصلی مکه را پیش گرفت.

در میان راه مکه، امام(علیه السلام) و همراهانش با عبدالله بن مطیع، دیدار کردند. امام حسین(علیه السلام) پس از پنج روز، در روز سوم شعبان سال 60 به مکه رسید و مورد استقبال گرم مردم مکه و حجاج بیت الله الحرام قرار گرفت.

مسیر حرکت امام(ع) از مدینه به مکه

مدینه (15 رجب سال 60 هجری هلاکت معاویه و 28 رجب سال 60 هجری خروج امام(علیه السلام) از مدینه)، ذوالحیفه ملل، سیاله، عرق ظنیه، زوحاء، انایه، عرج، لحر جمل، سقیا، ابواء، گردنه هرشا، رابغ، جحفه، قدید، خلیص، عسفان، مرظهران، مکه مکرمه(3 شعبان سال 60 هجری ورود امام(علیه السلام) به مکه) مسیر حرکت امام حسین(علیه السلام) از مدینه به مکه است.

ورود امام به مکه

کاروان امام حسین(علیه السلام) پنج روز پس از خروج از مدینه در سوم شعبان سال 60 هجری، وارد شهر مکه شد. ساکنان مکه و زائران بیت الله الحرام با شنیدن خبر ورود امام(علیه السلام) به مکه بسیار شادمان شدند. مردم، صبح و شام، نزد حضرت(علیه السلام) در رفت و آمد بودند و این بر عبدالله بن زبیر، سخت گران می‌آمد؛ چرا که امید داشت مردم مکه با وی بیعت کنند و می‌دانست که تا امام حسین(علیه السلام) در مکه هست، کسی با او بیعت نمی‌کند؛ زیرا جایگاه امام حسین(علیه السلام) در نزد مردمان مکه، بسیار بالاتر از جایگاه پسر زبیر بود.

اینکه چرا امام حسین (علیه السلام) در آغاز حرکت از مدینه به مکه رفت به دلیل آن بود که پس از آن که معاویه بن ابی سفیان (نخستین خلیفه اموی) در نیمه رجب سال 60 قمری مُرد و فرزندش یزید، به خلافت مسلمانان دست یافت، وی و درباریان اموی تلاش زیادی به عمل آورده تا از همه مردم بیعت گیرند.

آنان، مشکل خاصی در گرفتن بیعت از اهالی شام، مصر، عراق و یمن نداشته و تنها دغدغه خاطرشان از حجاز، به ویژه از شهر مقدس مدینه بود. زیرا در این شهر بزرگانی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر، محمد بن حنیفه، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر زندگی می‌کردند، که از جهات گوناگون بر یزید برتری و در رسیدن به مقام حکومت، بر او ترجیح داشتند.

اما در میان مخالفان یزید در مدینه، وجود شخصیت ممتازی چون امام حسین(علیه السلام)، همانند خورشید تابان، تمام ستارگان و سیارگان را بی فروغ می‌نمود و به عنوان تنها یادگار جدش حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و جانشین پدر و برادر مظلومش حسن بن مجتبی(علیه السلام)، در رسیدن به مقام خلافت و رهبری مسلمانان، شایسته‌تر از همه بود و نگاه همگان به سوی او معطوف بود. بدین لحاظ، یزید بیش از همه، از وی واهمه داشت و درصدد تسلیم کردنش برآمد. بنابراین، امام حسین(علیه السلام) با توجه به نامناسب بودن شرایط مدینه برای اظهار مخالفت علنی و قیام

و نیز در خطر بودن جان خود در این شهر بدون امکان حرکتی مؤثر، تصمیم به ترک آن گرفت و از آیه‌ای که در هنگام خروج از مدینه قرائت کرد، این نکته - که ترک این شهر به علّت عدم احساس امنیت بوده است - آشکار می‌شود.

منبع:

ابن اعثم، پیشین، صص 19- 20 و الخوارزمی، پیشین، ص. 187.

البلاذری، پیشین، ص 160؛ الطبری، پیشین، ص 341 و شیخ مفید، پیشین، ص 34.

ابن اعثم، پیشین، صص 21- 22 و الخوارزمی، پیشین، ص 189.

ابن اعثم، پیشین، ص 69.

ابوحنیفه احمد بن داوود الدینوری، الاخبار الطوال، ص 228؛ الطبری، پیشین، ص 341 و ابن اثیر، پیشین، ص 16.

الدینوری، پیشین، ص 228 و شیخ صدوق، پیشین، صص 152- 153.

شیخ صدوق، پیشین، ص 152.

وقعة الطف ص 85 و 86